

## بررسی و تحلیل دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی با رویکرد اسلامی‌سازی علوم جدید



حمیدرضا شیرازی<sup>۱</sup>، حسن معلمی<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** رویارویی و مواجهه مسلمانان با علوم جدید که منشأ آن در غرب است، در دیدگاه اندیشمندان اسلامی اشکال متفاوتی به خود گرفته است؛ زیرا بعضی از مسلمانان بر این باورند که یکی از راههای ترقی و بالندگی جوامع اسلامی، سازگاری با علوم جدید است. در این میان، رویکرد سید جمال‌الدین در مواجهه اسلام با علوم تجربی، حائز اهمیت بوده و نشان‌دهنده سابقه و پیامد علم‌خواهی و رونق علمی دوباره مسلمانان است. **روش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا، با رویکرد استقرایی تبیین و موردکاوی شده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و نمونه پژوهش، کل نوشته‌های موجود سید جمال‌الدین و مطالب پیرامون ایشان بوده است. **یافته‌ها:** نظرات سید جمال‌الدین درباره اسلامی‌سازی علوم جدید را می‌توان در قالب پنج مقوله و ۱۵ زیرمقوله تبیین و تحلیل شد؛ بدین منظور، تا به اقناع رسیدن داده‌ها، ۸۰ فیش از جامعه آماری تحقیق استخراج شده است. **نتایج:** از نظر سید جمال‌الدین، علوم غربی پیراسته شده‌ای که فرهنگ، باور و سلطه بیگانه را همراه خود نداشته باشند، هیچ تضادی با دین اسلام ندارند. از طرفی، مواجهه اسلام با علوم غربی به سه صورت است: ۱. سنتی‌نگری و علم‌گریزی؛ ۲. تقلید مظاهر و علوم غربی؛ ۳. سازگاری دین و دانش. **واژگان کلیدی:** سید جمال، اسلام، علوم تجربی.

♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

۱. استادیار دانشگاه بین‌المللی مصطفی (نویسنده مسئول). نشانی: قم؛ میدان جهاد، مجتمع امام خمینی. hamidrezania@miu.ac.ir
۲. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم، سطح چهار.

### الف) مقدمه و بیان مسئله

سید جمال‌الدین حسینی از شخصیت‌های ممتاز و روشنگری است که در پایان قرن ۱۳ قمری در دنیای اسلام نمایان شد. ایشان از مشهورترین احیاگران اندیشه دینی - اجتماعی و از مطرح‌ترین چهره‌های سیاسی - اجتماعی و از مصلحان، نواندیشان و روشنفکران قرون متأخر است که توانسته نام خود را در سطح بین‌الملل مطرح کند. سید، علم و فلسفه را مایه سربلندی و عزت و شکوه هر ملتی می‌دانست و اعتقاد داشت دانش، فناوری و صنعت، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و این گوهر گران، منحصر به فرد یا صاحب اندیشه‌ای نیست: «علم است که هر جا باشد عظمت و شوکت خود را ظاهر می‌سازد. دانش آن چیز شریفی است که به هیچ طایفه‌ای نسبت داده نمی‌شود؛ بلکه هر چه شناخته می‌شود، به علم شناخته می‌شود و هر طایفه‌ای که معروف می‌شود، به دانش معروف می‌شود».

پژوهش حاضر در تلاش است فعالیتهای اسلامی سازی علوم جدید سید جمال‌الدین را بررسی و تبیین کرده و نظر ایشان را در این زمینه احصا کند. از این رو، سؤال تحقیق به این صورت بیان می‌شود: دیدگاه سید جمال‌الدین در مواجهه اسلام با علوم جدید غربی چیست؟ به نظر می‌رسد رویکرد ایشان این باشد که راه پیشرفت امت اسلامی، مرهون کسب علوم جدید و هماهنگ شدن با عصر جدید است. هدف از این تحقیق، آشنایی با رویکردهای علم‌پژوهی سید بوده و در پی آن است که ریشه اسلامی سازی علوم تجربی را در بین مسلمانان، در قرون اخیر بررسی کند.

#### ۱. مبانی نظری تحقیق

**سید جمال‌الدین:** پیامبر اسلام (ص) درباره انسان فرموده‌اند: «النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»؛ یعنی با ارزش‌ترین سرمایه یک جامعه و سازمان، انسانهای آن می‌باشند (توکلی و مؤمنی، ۱۳۹۹: ۲). بنابر این بیان، یکی از دُرهای ارزشمند در جهان اسلام، سید جمال‌الدین است. ایشان متولد ۱۲۱۷ شمسی، فرزند سید صفدر، معروف به اسدآبادی یا افغانی، اندیشمند، سخنور و از رهبران انقلابی ضد استعمار ملل اسلامی است. وی در سن ۱۸ سالگی در اکثر علوم رایج آن زمان به مقام عالی رسید و در برخی کشورها از جمله: ایران، افغانستان، عربستان، هند، مصر، انگلستان، فرانسه، روسیه و آلمان به تبلیغ اندیشه‌های خود پرداخت (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳: ۱؛ ذوالفقاری و سلامت، ۱۳۸۷: ۱۳۰؛ ضابط‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲؛ عماره، ۲۰۱۱: ۱؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹: ۲۱؛ ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹: ۱). ایشان در سفرهای خود، پایداری و پیوند جهان اسلام و طرح رویکردهای نو در زمینه‌های اجتماعی و دینی را پی گرفت و در این راه، فعالیتهای

گسترده و گوناگونی مانند انتشار کتاب، روزنامه و مجله، نوشتن مقاله، تدریس، برگزاری نشستهای علمی، انجام سخنرانیهای ادبی و سیاسی و تربیت شاگردان انجام داد. وی سرانجام در زندان سلطان عبدالحمید، به خاطر زهری که به او چشاندند، ابتدا به دندان درد و سپس به سرطان دهانی مبتلا شد و در ساعت ۷ و ۱۳ دقیقه سه‌شنبه پنجم شوال ۱۳۱۴ ق. به پیشگاه ذات باری تعالی رفت (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷: ۳؛ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷: ۲؛ ذاکری، ۱۳۷۵: ۱۴۶؛ ذوالفقاری و سلامت، ۱۳۸۷: ۱۳۲، ۲۳۹؛ ضابط‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴؛ فلاتوری، ۱۳۹۹: ۱۰؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹)

**تعریف علم از نظر سید جمال‌الدین:** وی در تعریف علم می‌گوید: علم پرتوی است از نور الهی و از آن ظاهر می‌شود حرارتی در وجود انسان و غیرت و تعصبی که نیک را از بد و بد را از نیک درمی‌یابد و هیچ وقت زیر بار ظلم و استبداد نمی‌رود (صاحبی، ۱۳۸۵: ۸۳). در تعبیر دیگر می‌گوید: «فالعلم و الإدراک أثر فی الجوهر الدراک یحدث فیہ من المؤثرات الآخر المحیطه به، کسائر الآثار التي تحدث فی الأشياء من اتصال بعضها ببعض، و انفعال کل منها بما فی الآخر من کیفیات و الصفات الی یمكن أن ینفعل بها، کالحراره یکتسبها الماء عند اقترابه منها، و الماء یکتسب شکل الإناء عند وضعه فیہ، و ماشابه ذالک» (الحسینی، ۱۴۲۱/الف: ۱۰۰؛ همو، ۱۴۲۱/ب: ۱۱۱). بنابر این، از نظر ایشان چیزی که به رهایی از ظلمت بینجامد، علم است؛ چه تجربی باشد و چه فقهی (شیرودی، ۱۳۸۸: ۳۰). او علم را نه پایبند به دین می‌داند و نه وابسته به حس و تجربه، بلکه مرزهایش نامتناهی است؛ نه سرزمینی دارد و نه پایتختی و جنس آن اغلب بشری است. در این باره چنین بیان می‌دارد: «فنیقیان که با کشتی‌ها جزایر بریتش، بلاد هسپانیه، پورتگال و یونان را مستعمرات خود کردند؛ حقیقتاً آنها فنیقیان نبودند، بلکه علم بود که این‌گونه بسط قدرت خود نمودند. اسکندر هرگز از یونان به هندوستان نیامد و غلبه نکرد، بلکه آن که بر هند غلبه کرد علم بود. این فرنگی‌ها که اکنون به همه جای عالم دست انداخته‌اند و انگلیز خود را به افغانستان رسانیده و فرهنگ تونس را به قبضه درآورده، واقعاً این تطاول و این دست‌درازی و ملک‌گیری نه از فرنگ بوده و نه از انگلیز، بلکه علم است که هر جا عظمت و شوکت خود را ظاهر می‌سازد». همچنین بیان می‌دارد: «غنا و ثروت، نتیجه تجارت و صناعت و زراعت حاصل نمی‌شود، مگر به علم فیزیک، هندسه و حساب و تجارت مبتنی بر صناعت و زراعت است، پس جمیع ثروت و غنا نتیجه علم است». (همان: ۳۲؛ صاحبی، ۱۳۸۵: ۳۷)

**اهمیت فراگیری علوم جدید از منظر سید جمال‌الدین:** سید بر سلطنت عقل و علم و دادن توانایی بر انسان تأکید می‌ورزد و خواهان توجه و تأکید بر علوم تجربی و طبیعی و

دنیوی است (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۱۱۴) و بیان می‌دارد: «علم را حد و پایانی نیست و محسنات علم را اندازه و نهایی نیست. سلطان عالم، علم است و به غیر از علم، نه پادشاهی بوده و نه هست و نه خواهد آمد، و لکن این پادشاه حقیقی که علم بوده باشد، هر وقتی پایتخت خود را تغییر داده است، گاهی از مشرق به مغرب رفته و گاهی عکس آن». از نظر وی، پیشرفت ملل مترقی عالم در دانش پژوهی است. او پیروزی‌های افراد و ملتها را در گرو علم می‌داند و از ملتهایی که با پشتوانه دانش به پیروزی و سروری رسیدند، یاد می‌کند (صاحبی، ۱۳۸۵: ۳۷). وی خطاب به دانشمندان مسلمان، درباره سنت‌گرایی و دوری از فراگیری علوم جدید می‌گوید: «هیچ صرف فکر نمی‌کنید، آیا سبب فقر و فاقه و بیچارگی و پریشان‌حالی مسلمانان چیست؟ این حادثه عظمی و بلیه کبرا را علاجی هست یا نه؟ هرگز بر اسلاک تلغرافیه‌ای که ممتد است، به جمیع ار جای هندوستان نظر نکنید و از اسباب آن سؤال ننمایید و کهربا را که منشأ اعمال عجیبه و افعال غریبه است، جولانگاه فکر خود نسازید و این فنگرافی که اکنون منتشر است در همگی بلاد، اذهان شما را تحریک ندهد، از قوت بخاری که احمال و اثقال را به سرعت تمام به روی قضبان آن حرکت داده، از ملکی به ملکی دیگر نقل می‌کند، پرسش ننمایید و آلات حافظه‌الصوت و نقاله‌الصور و نظاره‌رصدیه و نظاره‌معظمه و امثال آنها را محل و موضوع بحث قرار ندهید. آیا جایز است که شما بحث در این امور جدید را ترک ننمایید به جهت آنکه در شفای ابن سینا و حکمت اشراق مذکور نیست. آیا نقص نیست انسان را که فکرش برای طلب اسباب حرکت نکند؟ آیا عیب نمی‌باشد برای عالم دانا و حکیم بینا که جمیع عالم را فنون جدید و اختراعات نور و انشائات تازه فرا گرفته باشد، با وجود این او را از علل و بواعث آنها هیچ‌گونه خبری نباشد و عالم از حالی به حالی دیگر متحول شده باشد و او سر از خواب غفلت بر ندارد؟». (کافی، ۱۳۸۸: ۷۱؛ رئیس‌کرمی، ۱۳۸۲: ۷۹)

**روش‌شناسی سید جمال‌الدین:** از مطالعه آثار سید چنین برداشت می‌شود که وی به لحاظ روش‌شناختی، از مکتب سنت‌گرایان علم پیروی می‌کند. طبق این روش، وی در بررسی و اظهار نظر درباره مسائل اجتماعی از روش تاریخی، فلسفی (عقلی) و تجربی بهره گرفته است؛ در مقابل روش پوزیتیویستی که بعضی از روشنفکران اسلامی (آن زمان) از آن استفاده کرده‌اند. از نظر او، اندیشه اجتماعی صددرصد تجربی وجود ندارد، بلکه اندیشه‌های گذشتگان برای انسان امروز، معتبر و مفید است. نمونه‌ای از روشهای ایشان عبارتند از:

- و حیانی (کتاب و سنت): وی می‌گوید قرآن تنها منبع کامل دانشها و اخلاق آرمانی و مقدم بر عقل است.

- اجتهاد و عقل‌گرایی: وی حق فرد مسلمان در تفسیر آزادانه قرآن را به رسمیت می‌شناسد. همچنین مشربی عقل‌گرا داشته و بر توانایی خرد و عقل انسان در عرصه شناخت اسرار هستی تأکید دارد.
- استفاده از علوم جدید و تجربه: قصد وی بهره‌جویی از پیشرفتهای علمی‌ای بود که اروپا در عرصه‌های تکنیکی به آن دست یافته بود و نیرومندی اروپا از آن سرچشمه می‌گرفت. او می‌کوشید تا با آموختن زبانهای بیگانه، به طور مستقیم سراغ آثار و متفکران دیگر جوامع رفته، تا علوم جدید عصر خویش و مکاتب جدید آن را بشناسد. (کافی، ۱۳۸۹: ۴۲)

## ۲. پیشینه تحقیق

با اینکه درباره سید جمال‌الدین در سالهای اخیر پژوهشهای زیادی انجام شده است، اما با بررسی که به صورت آزاد انجام شد، پژوهشی که از نظر موضوعی و روشی شبیه به تحقیق حاضر باشد، پیدا نشد. در ادامه، چند نمونه از پژوهشهایی که نزدیک‌ترین همخوانی را با موضوع این تحقیق داشته‌اند، معرفی می‌شود.

علیرضا علی‌صوفی و عباس زارعی مهرورز (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری»، اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین را در خصوص ایران آن زمان تحلیل کرده‌اند. مرتضی مدرس چهاردهمی (۱۳۸۹) در تحقیق «سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او»، به طور گسترده تفکر سید جمال‌الدین را در زمینه‌های مختلف، بررسی کرده است. مجید کافی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نظریه انحطاط و اصول شش‌گانه تکامل انسانی از نظر سید جمال‌الدین»، راههای انحطاط و تکامل انسان از نظر سید جمال‌الدین را تحلیل کرده است. مرتضی شیروودی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «سید جمال‌الدین اسدآبادی و روش‌شناسی بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی»، رویکرد بومی‌سازی مفاهیم مدرن سید جمال‌الدین را تحلیل کرده است. محمدعلی توانا (۱۳۸۵) در پژوهش خود، تقابل اسلام و مدرنیته را از نظر سید جمال‌الدین بررسی کرده است. حسین مسعودی (۱۳۷۵) طی پژوهشی، علم و دین را از نظر سید جمال‌الدین تحلیل کرده است. در حالی که عنوان پژوهش مسعودی با تحقیق حاضر بسیار نزدیک است، ولی در محتوا و روش با هم تفاوت دارند.

پژوهشهای مذکور تقریباً دوی‌بعدی و با متغیر مستقل و متغیر وابسته‌اند که همواره یک طرف آن سید جمال‌الدین است. ارتباط این تحقیقات با تحقیق حاضر، سید جمال‌الدین است

و در این جزء با هم اشتراک دارند؛ ولی چون این پژوهش تک‌بعدی است و با جامعه آماری محدود بررسی می‌شود، خلاقانه و ابتکاری بوده و متفاوت از تحقیقات مذکور است.

### ب) روش تحقیق

انتخاب روش، همواره با یک موضع معرفت‌شناسانه همراه است؛ لذا باید با این دید صورت گیرد که آیا برای بررسی یک سؤال خاص مناسب است یا خیر (توانا، ۱۳۸۵: ۳). تحقیق، یک فعالیت نظام‌مند است که می‌تواند به تجزیه و تحلیل و ثبت عینی و نظام‌مند مشاهدات کنترل‌شده بپردازد. این کار با پروراندن قوانین کلی، اصول، نظریه‌ها و پیش‌بینی و کنترل نهایی رویدادها ممکن می‌شود (فرهنگی و صفرزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۹). پژوهش حاضر در صدد تحلیل، بررسی و تبیین نظریات سید جمال‌الدین اسدآبادی (افغانی) پیرامون اسلامی‌سازی علوم جدید است؛ لذا بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع تحلیلی-توصیفی است. توصیفی بودن؛ یعنی محقق به دنبال چگونگی بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۳۲). از آنجا که روشهای کیفی در جایی که هدف، پرداختن به کشف تجارب ذهنی مردم و معانی‌ای است که آنان به این تجارب می‌دهند، مناسب‌ترین روشها می‌باشند (توانا، ۱۳۸۵: ۳)؛ این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی انجام شد. در این روش، پژوهشگر از به کارگیری طبقات از قبل تعیین‌شده اجتناب می‌ورزد و در عوض، اجازه می‌دهد که طبقات از درون داده‌ها بیرون آیند (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰). از روش کمی نیز در حد به دست آمدن فراوانی استفاده شده است. بنابر این، با توجه به کمبود هر یک از روشهای کمی و کیفی در این پژوهش، از روش تحقیق آمیخته استفاده شده است. در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری می‌شود، که داده‌های کیفی اهمیت بیشتری دارند. (شیعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵)

برای جمع‌آوری داده‌ها چهار نوع ابزار وجود دارد: بررسی اسناد، مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه؛ که نوع این ابزارها تابع عوامل گوناگونی از جمله ماهیت و روش تحقیق است (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۳۹). در فرایند تحقیق، اطلاعات به صورت کیفی بر مبنای مطالعه و فیش‌برداری از اسناد کتابخانه‌ای، اعم از فیزیکی و دیجیتالی تهیه شده است. در این زمینه به منابع نوشتاری سید جمال‌الدین و مطالبی که پیرامون ایشان نگاشته شده مراجعه شد؛ که از بین منابع مطالعه‌شده، از مطالب ۵۶ منبع استفاده شده است.

**روش تحلیل:** تحلیل محتوا روش نظام‌مند و تکرارپذیر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات است که به طور معمول باز و نسبتاً بدون ساختار است (توکلی و مؤمنی، ۱۳۹۷: ۷). به عبارت دیگر؛ مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوای ارتباطات از طریق به کارگیری عینی و منظم قواعد مقوله‌بندی شده و به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابد (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۳). کریپ‌پندروف،<sup>۱</sup> تحلیل محتوا را نوعی فن پژوهشی برای ایجاد مراجع معتبر و تکرارپذیر از داده‌های متون تعریف می‌کند (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳: ۲۳). تحلیل محتوا هم می‌تواند تحلیل مدلولها باشد، مثل تحلیل مضمونی و هم می‌تواند تحلیل دالها باشد، مثل تحلیل واژگان (توانا، ۱۳۸۵: ۴). در این پژوهش بیش از هر چیز به تحلیل مدلولها پرداخته شده است. از طرفی باید در نظر داشت که در تحلیل محتوا، اگر توصیف، اولین مرحله و لازم است و اگر تفسیر در مرحله بعدی قرار دارد، استنباط راه واسطه‌ای است که گذر صریح و بازرسی شده یکی را به دیگری ممکن می‌سازد. بنابر این، یکی از ویژگی‌های مهم تحلیل محتوا، استنباط است. (همان)

برای تحلیل داده‌ها، با تکیه بر روش تحلیل محتوا، از روش کدگذاری سه مرحله‌ای که در زمره روشهای تحلیل داده‌های کیفی به شمار می‌آید، استفاده شد. در این روش، در ابتدای کدگذاری تلاش می‌شود مقوله‌ها از طریق کدگذاری مرتبه اول مشخص شود و طی کدگذاری مرتبه دوم، مقوله‌ها به یکدیگر مرتبط و مفاهیم به صورت یکپارچه استخراج شوند (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۶). مهم‌ترین مرتبه، مرحله استنباط است که بر اساس آن، رابطه مفاهیم با یکدیگر مشخص می‌شود (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷). در این مرحله، داده‌های کدگذاری شده تجزیه و تحلیل می‌شوند؛ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تحقیق به دست می‌آیند و فراوانی داده‌ها ذکر می‌شود.

**روایی و پایایی:** روایی در تحقیقات به این معنی است که وسیله اندازه‌گیری بتواند خصیصه و ویژگی مد نظر را اندازه بگیرد (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۸۸) یا به این سؤال جواب داده شود که آیا ابزار اندازه‌گیری، آنچه تصور اندازه‌گیری‌اش را دارد، اندازه می‌گیرد یا خیر (یوسف‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۶). برای روایی بهتر در این تحقیق، نگارنده سنجه‌های تحقیق را با توجه به مبانی نظری و اصول موضوعه پژوهش جمع‌آوری کرد و با نظرخواهی از خبرگان، اتقان هر یک از آنها را به دست آورد. در تحلیل محتوا، پایایی یعنی اینکه اگر کدگذاران مختلف دستورالعمل کدگذاری را درباره یک محتوا به کار ببرند، باید به نتیجه واحدی برسند؛ اما زمانی که

رمزگذار فقط یک نفر است، تحلیلگر پایایی، کدگذاری را نسبت به خودش در دو زمان آزمون می‌کند (مؤمنی، ۱۳۹۹: ۸). بنابراین، آزمون زمانی دارای پایایی است که نمره‌های مشاهده و نمره‌های واقعی آن دارای همبستگی بالایی باشند (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۹۱). اعتبار محتوا اغلب تکیه‌گاه روش تحلیل محتواست و از طریق قضاوت آگاهانه پژوهشگر به دست می‌آید (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). در این تحقیق، نگارنده رمزگذاری را چند مرتبه تکرار کرده است که پایایی خوبی از آن انتظار می‌رود.

در تحقیقی که از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود، باید حداقل شش مرحله انجام شود: ۱. مشخص کردن مسئله پژوهش، ۲. تدوین سؤالات و اهداف، ۳. تعریف و مشخص کردن متغیرها، ۴. نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه، ۵. کدگذاری و مقوله‌بندی، ۶. تحلیل و استنباط نتایج و گزارش (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳؛ کریپ‌پندروف، ۱۳۸۶: ۶۷؛ سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۸). با این وصف، فرایند تحقیق حاضر مطابق این شش مرحله بوده است.

**جامعه آماری:** جامعه آماری، جمعیت اصلی مجموعه اولیه مورد مطالعه در هر تحقیق است که اعضای آن حداقل در یک صفت، مشترک بوده و تحقیق در آن، پیرامون موضوعی خاص انجام خواهد شد (نوبخت، ۱۳۹۲: ۵۸). جامعه آماری این تحقیق، آثار سید جمال‌الدین، شامل کتابها، مقالات، نامه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های مکتوب و نیز مطالبی که درباره ایشان بیان شده، شامل نظرات شاگردان، شخصیتها، کارشناسان و محققان است.

### ج) یافته‌های تحقیق

سید جمال‌الدین مسلمانان را به فراگیری علوم و فنون جدید و اقتباس تمدن غربی فراخواند و با بی‌سوادی و بی‌خبری و عجز فنی و صنعتی مسلمانان به پیکار برخاست، اما متوجه تجددگرایی‌های افراطی نیز بود. او می‌خواست مسلمانان علوم و صنایع غربی را فراگیرند، اما با اینکه جهان‌بینی آنان همانند جهان‌بینی غربی شود و جهان را با همان عینک غربیان ببینند مخالف بود. وی همان‌گونه که با استعمار سیاسی غرب پیکار می‌کرد، با استعمار فرهنگی آن نیز در سبتر بود. ایشان با متجددانی که می‌خواستند جهان و احیاناً قرآن و مفاهیم اسلامی را از دیدگاه غربی تفسیر کنند، مبارزه می‌کرد (صاحبی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). با این وصف، در این تحقیق نظریات اسلام‌گرایی علوم جدید سید جمال‌الدین تحلیل شده که در این زمینه، پنج مقوله در قالب ۱۵ شاخصه بر اساس استخراج ۸۰ فیش از جامعه آماری به دست آمد. در ادامه، ابتدا جدول تحلیل محتوای داده‌ها آمده، سپس مقوله‌ها به ترتیب آورده شده و هر یک از زیرمقوله‌های آن تحلیل و بیان شده است.



جدول ۱: تحلیل محتوای داده‌ها

ردیف	کد	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱	M1	آگاهی دادن به علوم جدید	توصیف علوم جدید	۴	۵
			اهمیت علوم جدید	۳	۳.۷۵
			خبر دادن از علوم جدید	۳	۳.۷۵
۲	M2	سربلندی علمی اسلام	عزت علمی اسلام	۸	۱۰
۳	M3	سازگاری علوم جدید و اسلام	ظرفیت دین اسلام	۹	۱۱.۲۵
			درونی سازی علوم	۵	۶.۲۵
			مطلق بودن علوم	۵	۶.۲۵
۴	M4	علل دور شدن اسلام از علوم جدید	تحجر فکری مسلمانان	۹	۱۱.۲۵
			بی تفاوتی مسلمانان	۸	۱۰
			انحطاط سیاسی اسلامی	۶	۷.۵
			تهاجم بیگانه	۴	۵
			دوری از اسلام واقعی	۳	۳.۷۵
			ضعف سیستم آموزشی	۳	۳.۷۵
۵	M5	تهذیب علوم جدید	نکوهش دانش تقلیدی	۶	۷.۵
			بازگشت به اسلام	۴	۵

### ۱. آگاهی دادن به علوم جدید

**توصیف علوم جدید:** سید، وجه درونی تمدن غرب را به دیدهٔ اعجاب و تحسین می‌نگرد و از همت مردمان غرب در راه آزادی و ترقی ستایش می‌کند. وی دنیای غرب را مظهر تمدن و پیشرفت (در ابعاد علمی، سیاسی، صناعی، تجاری، زراعی و ...) می‌داند (رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۸۳). تحلیل او این است که همهٔ پیشرفته‌ها نتیجهٔ علم است. فلسفه چیزی است که ما مشرق‌زمینی‌ها از آن محروم مانده‌ایم. تعبیر ایشان از فلسفه به معنای علت‌یابی و به معنای روح علمی داشتن است؛ چیزی که مسلمانان (آن زمان) فاقد آن بوده‌اند. (مسعودنیا و تدین‌راد، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

**اهمیت علوم جدید:** سید در اهمیت علم در اروپا چنین می‌گوید: وسایل ارتقایی که در ممالک غرب عمومیت دارد، علم و تعلیم علم است. مردم بدون مساعدت دولت به سوی علم می‌شتابند؛ پس مملکت را ترقی می‌دهند، عظمت و ثروت دولت را افزون می‌سازند، صنایع و فنون را جلو می‌برند. ولی در کشورهای اسلامی از علوم جدید خبری نیست (اسماعیل‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۶۸). وی در اهمیت علم چنین می‌گوید: «جمع ثروت و غنا نتیجهٔ علم است؛ پس غنایی در عالم نیست مگر به علم و غنیه نیست به غیر از علم و بالجمله، جمیع عالم

انسانی، عالم صناعی است؛ یعنی عالم، عالم علم است و اگر علم از عالم انسانی برآورده شود، دیگر انسانی در عالم باقی نمی‌ماند». (نظری، ۱۳۸۸: ۱۴۳)

**خبر دادن از علوم جدید:** سید، عامل احیای حیات اجتماعی و عظمت یک ملت را در عصر حاضر، آگاهی به اوضاع زمان و مجهز بودن به سلاح علم و آشنایی با علوم عصر جدید می‌داند. وی باور دارد به اینکه اگر ملت‌های اروپایی به توسعه دست یافتند و سلطه خود را بر دیگر ملت‌های فاقد تکنیک و علوم طبیعی تحمیل کردند، نتیجه دانش آنان است (خسروشاهی، ۱۳۹۹: ۲). او خطاب به مسلمانان می‌گوید: تعجب نمی‌کنید از اینکه علوم جدید، عالم را فراگرفته و فنون بدیعه، کره زمین را احاطه کرده، ولی چیزی از آنها به دست شما نرسیده است! (صاحبی، ۱۳۸۵: ۴۱). ایشان در این باره بیان می‌دارد: «جمع ترقیاتی که در غرب روی داده است، نتیجه علم است و جوامع اسلامی نیز ناگزیر از روی آوری به عدل، آزادی، اخوت و مساواتی که در غرب یافت می‌شوند هستند». (توانا، ۱۳۸۵: ۹)

## ۲. سربلندی علمی اسلام

**عزت علمی اسلام:** سید بیان می‌دارد که تجدد و ترقی دائمی لازمه دینداری و فطری انسان است. تجدد، جریانی جهان‌شمول است و به نژاد یا دین خاصی مربوط نیست. نه ذاتی غرب است و نه ضد دینانست. اسلام در جوهر خود، دینی متجدد و مترقی و مابین بارکود و انحطاط و حائز همه شرایط ترقی دائمی بشر است. در واقع؛ نزدیک‌ترین ادیان به علم و فلسفه، اسلام است. مدینه فاضله‌ای که همه فلاسفه در انتظار و آرزوی آن بوده‌اند، فقط به شرط پیروی عملی از حقیقت اسلام متحقق خواهد شد (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۸۶). به نظر او، دین اسلام آن یگانه دینی است که ذم اعتقاد بلا دلیل و اتباع ظنون را می‌کند و پیروی از روی کوری را سرزنش می‌کند و مطالبه برهان را در امور، به متدینین نشان می‌دهد و در هر جا خطاب عقل می‌کند (توانا، ۱۳۸۸: ۲۳۹). سید بر این نظر بود که مسلمانان باید علوم و فنون را در خدمت اسلام و انسانیت قرار دهند و در راه به دست آوردن آن، استقلال داشته باشند (مزینانی، ۱۳۷۵: ۱۷۶). او در این باره می‌گوید: «از روی تعصب دینی بر مسلمانان واجب است که هر جا فضیلتی و کمالی و علمی و معرفتی ببینند، خود را احق و اولی دانسته و در به دست آوردن آن تلاش و کوشش کنند و نگذارند مخالفان دین اسلام، در فضایل و کمالات بر ایشان سبقت بگیرند. هرگز دینداری نباید موجب بغض با علوم و معارف و سبب تنفر از صنایع و بدایع گردد» (صاحبی، ۱۳۸۵: ۴۰). وی می‌گوید: بعضی قرآن را متهم می‌کنند که با حقایق علمی ثابت مخالف است؛ ولی قرآن برتر از آن است که با علم حقیقی، به ویژه در کلیات مخالفت ورزد.

اگر خوب غور شود، معلوم خواهد شد که این علوم معاشیه، سبب قوت دین است؛ چون قوت دین از متدینین است و قوت متدینین نتیجه غنا و ثروت و جاه و شوکت است و این امور، بدون این علوم معاشیه هرگز صورت وقوع نخواهد پذیرفت. (رهبری، ۱۳۸۸: ۳۵ و ۶۴؛ قربانی، ۱۳۸۵: ۳۶)

سید درباره تقدّم اسلام در علم، صنعت و مدنیت چنین بیان می‌دارد: «الدیانه الاسلامیه وضع اساسها علی طلب الغلب، الشوکه، الافتتاح، الغزه و رفض کل قانون یخالف شریعتها و بند کل سلطه لا یكون القائم بها صاحب الولاية علی تنفيذ احکامها، فالناظر فی اصول هذه الديانه و من یقرأ سورة من کتابها المنزل یحکم حکما لا ریب فیہ بأن المعتقدین بها لابد ان یكونوا اول مله حریبه فی العالم و اتقان العلوم العسکریه و التبحر فیما یلزمها من الفنون کالطبیعه و الکیمیا و جراثیقال و الهندسه و غیرها». (الحسینی، ۱۴۲۱/الف: ۸۸)

### ۳. سازگاری علوم جدید و اسلام

ظرفیت دین اسلام: سید همواره می‌گفت: دیانت اسلامی هیچ‌گونه منافات و مغایرتی با مدنیت و ترقیات دنیوی ندارد (توانا، ۱۳۸۵: ۱۴). وی باور داشت که نزدیک‌ترین دینها به علوم و معارف، دیانت اسلامی است و هیچ منافاتی در میان علوم و معارف، با اساسهای دیانت اسلامی نیست (اسماعیل‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۷۴). ولی بر تفسیر مستمر و نو شونده اسلامی مطابق با ویژگی‌های عصر تأکید داشت. به تعبیر او، دین اسلام به مقتضای مکان و زمان، احتیاج به ساده‌سازی و بهترسازی دارد تا بر موجب حاجات و لوازم هر قرن، تبدل یابد تا تطابق با آن احتیاجات کند (همان: ۱۷۶). وی باور داشت که اسلام دارای مزایا و ویژگی‌هایی است که ظرفیت تأمین سعادت جامعه را دارد. او بیان می‌دارد تنها راه علاج بیماری ملت‌های اسلامی، آن است که مانند گذشته، به قواعد اصل دین خویش برگردند و احکام آن را دقیقاً اجرا کنند و مردم را به سوی حقایق آن دین هدایت و ارشاد کنند (کافی، ۱۳۸۹: ۹۲). او به صورت عملی، در تفسیر قرآن از احادیث صحیح و معتبر و نیز از دلایل قطعی و دستاوردهای عقلی استفاده می‌کرد (مسعودی، ۱۳۷۵: ۷۴). سید همواره می‌کوشید تا میان مسائل دینی و علمی، طریق جمعی بجوید. در همین راستا بیان می‌دارد: «رفتار درست در برابر معارف غربی باید همانند رفتار مسلمانان صدر اسلام در برابر فلسفه یونان باشد. مسلمانان صدر اسلام تنها هنگامی به فرا گرفتن طب بقراط و جالینوس و هندسه اقلیدوس و نجوم بطلمیوس و فلسفه افلاطون و ارسطو همت گماشتند که پایه‌های ایمان خود را استوار کردند. مسلمان امروزی نیز تنها زمانی

باید به فرهنگ و تمدن اروپایی روی آورند که دین خویش را به وجه درست بشناسند). (رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

**درونی‌سازی علوم:** سید در پی ایجاد سازگاری بین اسلام سنتی و چالشهای علمی غرب بود و راه میانه‌ای را در پیش می‌گرفت (حسینی، ۱۳۹۱: ۱). او شرط کسب علوم جدید غربی و تجدد حقیقی و پایداری و رونق آن در جوامع عقب‌مانده را درونی و عمومی کردن آن می‌داند (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۸۵). وی می‌گفت اخذ علوم و صنایع از غرب باید با زمینه‌سازی و دقت کامل انجام شود که مبدا ناخواسته در همان مسیری قرار بگیریم که استعمار طالب آن است (شرفی، ۱۳۷۵: ۶۸۲). وی می‌خواست مسلمانان، علوم و صنایع غربی را فراگیرند، اما با اینکه جهان‌بینی آنان جهان‌بینی غربی شود، مخالف بود. او مسلمانان را دعوت می‌کرد علوم غربی را فراگیرند، اما از اینکه به مکتهای غربی بپیوندند، آنان را بر حذر می‌داشت (کافی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). ایشان استفاده از ابزار فنی جدید را بسیار توصیه می‌کرد و ابزار فنی را در صورتی که به فرهنگ اسلامی خدشه‌ای وارد نکند، پذیرا بود و نیز همیشه می‌گفت هر چه از نعمتهای خداوندی در روی زمین است، بهترین آنها برای مسلمانان است. (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۳۶۶)

**مطلق بودن علوم:** سید تأکید بسیار بر آموختن دانش و فلسفه به عنوان درآمدی بر فراگیری دیگر علوم دارد. از دیدگاه او، علم و فلسفه موجب ارتقای سطح تفکر اجتماعی می‌شود و زمینه را برای پیشرفت و آموزش دیگر علوم فراهم می‌کند. به اعتقاد او، فلسفه است که انسان را بر انسان می‌فهماند و شرف انسان را بیان می‌کند و راه پیشرفت را به او نشان می‌دهد (بویان، ۱۳۸۸: ۱۲۷). وی می‌گوید: بعضی از علمای ما منع می‌کنند دیگران را از تعلیم بعضی از علوم نافع که علم فرنگ است و این را نفهمیدند که علم آن چیز شریفی است که به هیچ طایفه‌ای نسبت داده نمی‌شود، بلکه هر چه شناخته می‌شود، به علم شناخته می‌شود و هر طایفه‌ای که معروف می‌گردد، به علم معروف می‌گردد. انسانها را باید به علم نسبت داد، نه علم را به انسانها. چه بسیار تعجب است که مسلمانان آن علوم را که به ارسطو منسوب است، آن را به رغبت می‌خوانند؛ گویا که ارسطو یکی از اراکین مسلمانان بوده است و اما اگر سخنی به گالیله و نیوتون و کپلر نسبت داده شد، آن را کفر می‌انگارند. این علم است که هر جا عظمت و شوکت خود را ظاهر می‌سازد. در واقع؛ پدر و مادر علم، برهان است و دلیل، نه ارسطو و نه گالیله می‌تواند باشد. حق در آنجاست که برهان در آنجا بوده باشد و آنها که منع از علوم و معارف می‌کنند، به زعم خود صیانت دیانت اسلامی را می‌نمایند، آنها فی‌الحقیقه دشمن دیانت اسلامی هستند. نزدیک‌ترین دینها به علوم و معارف، دیانت اسلامی است و هیچ منافاتی در میانه علوم و معارف و اساسهای دیانت اسلامی نیست. چون قواعد

طبیعیه و براهین هندسیه و ادله فلسفیه از جمله بدیهیات است، پس کسی که می گوید دین من منافی بدیهیات است، پس لامحاله حکم بر بطلان دین خود کرده است. (مسعودی، ۱۳۷۵: ۷۶؛ کافی، ۱۳۸۹: ۸۲؛ قربانی، ۱۳۸۵: ۳۸)

#### ۴. علل دور شدن اسلام از علوم جدید

**تجبر فکری دانشمندان مسلمان:** به نظر سید، یکی از نشانهای انحطاط جوامع اسلامی و سبب فقر و فاقه و مسکنت و ذل و بدبختی اهالی مشرق زمین آن است که آنها به هیچ وجه قدر علم و عالم را نمی دانند و شرف منزلت دانشمندان را نمی شناسند و خداوندان معارف را توقیر و تعظیم نمی کنند. این راندانستند که جمیع سعاداتی که در عالم یافت شده است، همه نتیجه علم و معرفت بوده و هست (رئیس کرمی، ۱۳۸۲: ۷۲). ایشان می گوید: علمای سنتی همواره به انحطاط خود و تکامل غرب بی اعتنا بوده و نقص روح فلسفی در آنان دلیلی بر عقیم بودن علم و تفکر سنتی بوده است. همین موضوع است که سنت پرستی و تقلید و تجددستیزی را برای جهان اسلام به ارمغان آورده است (کافی، ۱۳۸۸: ۶۹). در این باره چنین خطاب می دارد: «این دیومردمان چگونه موجب تنفر قلوب شدند! از علوم و معارف بازداشته، مانع ترقی قوم خود گردیدند و سد محکمی شدند و پاک منشان را از استحصال اسباب سعادت بازداشتند. نیک باطنان را چنان گمان شد که طرز جدید و تربیت نو باعث پی کنی قوم و ملت است و از وضع حاضر گوشه گرفتند» (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۸۴). سید می گوید: باید عالم، آن عالم باشد که معارفش گمراهان طریق سعادت را هادی و راهنما باشد و دانشش دلهای مرده را حیات بخشد و عبادتش چون مغناطیسی اجزای متلاشیه امت را جمع کند (قلی پور، ۱۳۸۳: ۳۷۵). باید علما هر جا فضیلتی و کمالی و معرفتی ببینند، خود را احق و اولی دانسته و در به دست آوردن آن تلاش و کوشش کنند و نگذارند که مخالفان دین اسلام در فضایل و کمالات بر آنان سبقت گیرند. (مزینانی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)

**ضعف و بی تفاوتی مسلمانان:** سید بیان می دارد که: مسلمانان عقب ماندگی خود را جدی نگرفتند و بی تفاوت از کنار پیشرفت سریع اروپا گذشتند. بر گذشته خود فخر کردند و خود را نیازمند تحرک و تجدید نظر در وضع آموزشی و سطح آگاهی های عمومی نمی دیدند (شرفی، ۱۳۷۵: ۶۷۸؛ قربانی، ۱۳۸۵: ۳۵). وی خطاب به مراکز علمی جهان اسلام و صاحب نظرانی که بی توجه به جهان خارج و تحولات آن اند، می گوید: مسلمانان هیچ گاه بر آن نشدند که در خانه ذهن خود تحولی به وجود بیاورند و دانشهای عصری و پر کاربرد را بیاموزند و بیاموزانند و در شیوه تعلیم و تربیت دگرگونی پدید آورند (شرفی، ۱۳۷۵: ۶۶۶).

همچنین بیان می‌دارد: «چرا نظر خود را یکباره از آن کتب ناقصه بر نمی‌دارید و به این عالم وسیع نظر نمی‌افکنید و در حوادث و علل آن تدبّر و تفکر به کار نمی‌برید؟ و چرا آن عقول عالیه را همیشه در این مسائل جزئیّه (فقط فراگیری علوم دینی و سنتی) استعمال می‌کنید؟ علمای مسلمان دست چپ خود از راست نمی‌شناسند و نمی‌پرسند که ما کیستیم و چیستیم و ما را چه شاید و هیچ‌گاه از اسباب این تار و برقی‌ها و آگنیپوها و ریل‌گاراها سؤال نمی‌کنند. عجیب‌تر آن است که یک لمپی در پیش خود نهاده، از اول شب تا صبح مطالعه می‌کنند و یک بار در این معنی فکر نمی‌کنند که چرا اگر شیشه‌ او را برداریم، دود بسیار از آن حاصل می‌شود و چون شیشه را بگذاریم، هیچ دودی از او پیدا نمی‌شود! خاک بر سر این گونه حکیم و خاک بر سر این گونه حکمت. حکیم آن است که جمیع حوادث و اجزای عالم، ذهن او را حرکت بدهد و نه آنکه مانند کورها در یک راهی برود که هیچ نداند که استیش و پایان آن کجاست». (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۶۹)

**انحطاط سیاسی دولتهای اسلامی:** سید دریافت که اساس عقب‌افتادگی و شوربختی ممالک اسلامی در بی‌نصیبی ملتهای مسلمان از آزادی و دانش است و این نقیصه را نتیجه اسلوب حکومت مستبده می‌دانست و دریافت مادامی که شکل زندگی سیاسی در ممالک اسلامی تغیر نیابد و حکومت مشروطه جای حکومت استبدادی را نگیرد (محیط طباطبایی، ۱۳۹۹: ۱)، عقب‌ماندگی علمی و توقف کاروان تمدن اسلامی در جهان اسلام پایانی ندارد (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۹۵). ایشان بر این باور است که تا زمانی که فراگیری علوم تجربی و علوم الهی در دستور کار مسلمانان قرار داشت، آنان در عظمت بودند (شیرودی، ۱۳۸۸: ۲۸). اما از زمانی که حکومت و خلافت مسلمین از مقام علمی و از اجتهاد جدا شد، به تدریج روح فلسفی و آزادی علم و اندیشه از میان رفت و چراغ عقل و عقلانیت فرو مرد (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۸۷). وی بیان می‌دارد: مقام و منزلت علمی اسلام در مقام خلافت در بین خلفای عباسی به حدی رسیده بود که آنان تنها به اسم خلافت قانع شدند (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۵). به طور نمونه، سیوطی می‌نویسد، خلیفه عباسی، هادی دستور داد که گردن پنج هزار نفر از فلاسفه را بزنند تا ریشه علوم در جهان اسلام خشک شود و از بین برود. (رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۸۲؛ قربانی، ۱۳۸۵: ۳۹)

**تهاجم بیگانه:** سید یکی از علل تاریخی عقب‌ماندگی و ضعف مسلمانان را در دو حادثه بزرگ که در جهان اسلام رخ داد و مسلمانان گرفتار آن شدند، می‌داند؛ یکی حمله ویرانگر مغولها و تاتارها از شرق و دیگری تهاجم خانمان سوز اروپاییان و ایجاد جنگهای صلیبی از غرب (کافی، ۱۳۸۹: ۸۳). وی بیان می‌دارد: علاوه بر ضعف داخلی در جهان اسلام، تهاجم مغولان

و استعمار غربی‌ها موجب انحطاط مسلمین شد و زمینه را برای پیاده‌سازی اهداف غربی‌ها در کشورهای اسلامی فراهم کرد با تبلیغ تجددگرایی و نوسازی (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۸۷). او راه‌هایی از استبداد و استعمار را آشنایی با علوم و صنایع جدید و قوانین مدنی و اجتماعی می‌دانست و حرکت به سوی مدنیت و علمانیت را رهایی‌بخش می‌خواند. (توانا، ۱۳۸۵: ۱۱)

**دوری از اسلام واقعی:** سید، عامل اصلی بیماری عقب‌ماندگی مسلمانان را در دوری آنان از آموزه‌های قرآنی می‌دانست و به همین دلیل به طور روشن و صریح می‌گوید: ما تا تعلیمات اسلامی و اصول قرآنی را در جامعه اجرا نکنیم و مسلمانان در این راستا به آموختن علم و دانش جدید نپردازند، سهمی در پیشرفتهای جدید و علوم و تمدن معاصر نخواهیم داشت (خسروشاهی، ۱۳۹۹: ۴). وی بازگرداندن عظمت از دست رفته مسلمانان و اصلاح باورهای دینی آنان و در نتیجه، بازگشت به اسلام نخستین و حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه‌مردۀ مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست. در این راستا، او تعلیم و تربیت صحیح، آگاهی سیاسی و کسب دانشهای جدید را برای اصلاح جامعه اسلامی ضروری می‌داند (کافی، ۱۳۸۸: ۷۷). ایشان در جواب اشکالی که بعضی از غربگرایان مطرح کرده بود، می‌گوید: عقب‌ماندگی مسلمانان از اسلام برنیامده، بلکه از نادانی مسلمانان به حقیقت آن ناشی شده است. از این رو، برای احیای عصر طلایی اسلام، بایستی مسلمانان، علم به معنای پوزیتیویستی و جدید آن، که بر بنیانهای عقلانی و حساب‌گرایانه بنا شده است را با توسل به قرآن فراگیرند (میرمنتهایی، ۱۳۸۳: ۴۲۹؛ مسعودنیا و تدین‌راد، ۱۳۸۸: ۱۰۹). وی می‌گوید: برای اینکه به عزت و سعادت زندگانی برسید و بر مکتب و ثروت، ترقی و صنعت شما بیفزاید و دین مبین شما از شوائب مصون باشد، باید با سرعت هرچه تمام‌تر و عزمی جزم، متمدن کار کنید و قانون صحیح «قرآن» که در میان دارید را در معرض اجرا در آورید و از خود رفع استبداد کنید. (الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

**ضعف سیستم آموزشی:** به نظر سید، هم حوزه‌های علمیه و هم مراکز جدید آموزشی (دانشگاهها) گرفتار ضعف روح علمی‌اند. علمای سنتی، نه از ماهیت فلسفه و منشأ و پیدایش آن خبر داشتند، نه می‌توانستند تعریف درستی از آن به دست دهند و ارزش و اهمیت آن را به عنوان رکن اساسی تمدن و فرهنگ انسانی و اساس استوار اخلاق، درک و فهم کنند (کافی، ۱۳۸۹: ۸۳). ایشان، از روش تعلیم و تربیت در میان مسلمانان انتقاد می‌کند و می‌گوید: مسلمانان سالها «نحو» می‌خوانند؛ حال آنکه بعد از فراغت، نه قادر بر تکلم عربی‌اند و نه قادر به نوشتن و فهمیدن آن. یا علم «معانی» و «بیان» می‌خوانند؛ ولی قادر بر تصحیح

کلمه یومیۀ خود هم نمی‌شوند. علم «منطق» می‌خوانند؛ ولی افکار اینها هیچ فرقی با افکار عوام ندارد. علم «حکمت» می‌خوانند؛ ولی هیچ‌گاه نمی‌پرسند که ما کیستیم؟ و چیستیم؟ و ما را چه باید؟ و چه شاید؟ علم «فقه» می‌خوانند که حاوی جمیع حقوق منزلیه و بلدیه و دولیه است؛ ولی از ادارهٔ خانهٔ خود هم عاجزند. علم «اصول» می‌خوانند؛ ولی از دانستن فواید قوانین و قواعد مدنیت و اصلاح عالم اطلاعی ندارند. (الحلو، ۱۳۸۳: ۸۲)

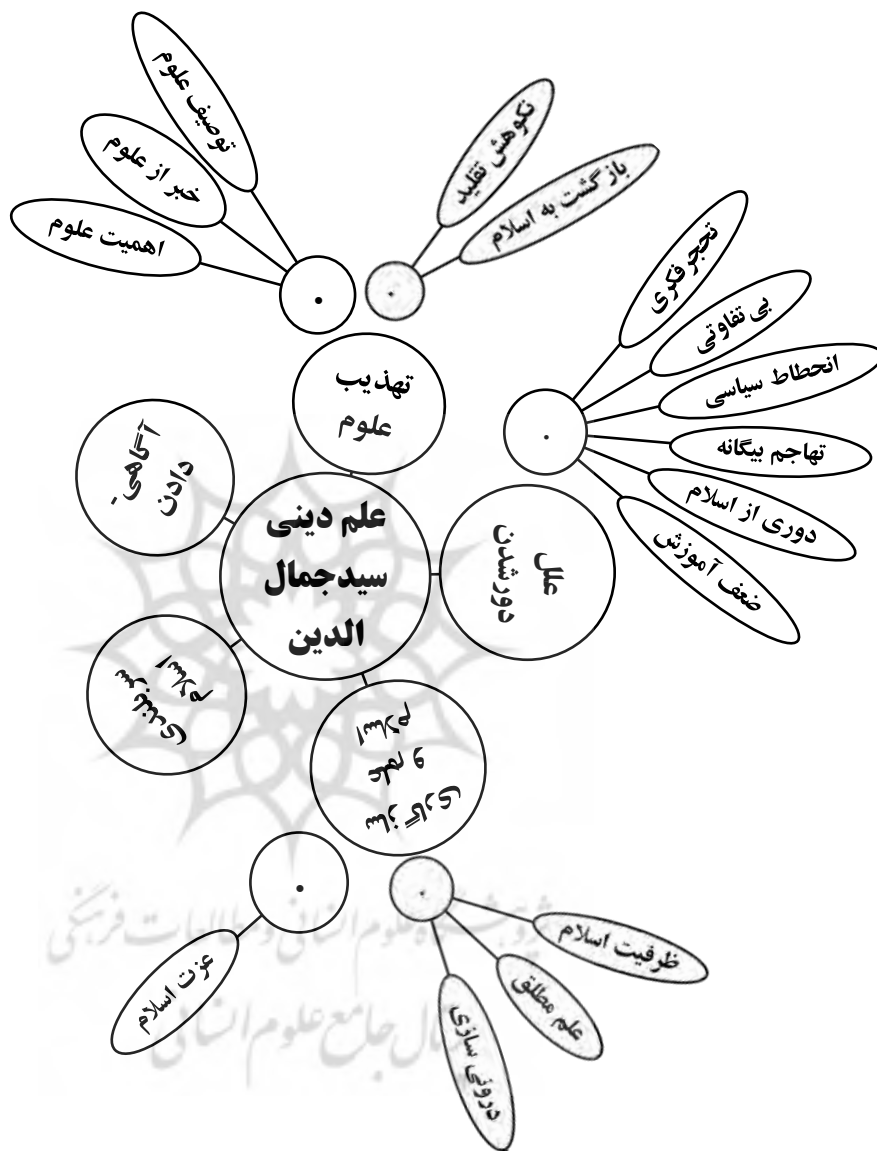
#### ۵. تهذیب علوم جدید

**تکوهش دانش تقلیدی:** سید در این باره بیان می‌دارد: افرادی که مقهور فرهنگ و شکوه علم و پیشرفت غرب شده‌اند، به تبلیغ ایدئولوژی استعمار و ترویج روحیهٔ خوش‌بینی کاذب نسبت به استعمار غربی می‌پردازند و او را دلسوز و حامی جوامع خود و خواهان آبادی و ترقی جوامع خود معرفی می‌کنند و از ضرورت همکاری و همراهی با او و سیاستهای او سخن می‌گویند. فناء فی الغالب و استحالهٔ کامل در علم و تمدن جدید غربی را روند حتمی و اجتناب‌ناپذیر تاریخ معرفی می‌کنند و پیروی از بیگانه را بر خود مبارک و حتمی می‌انگارند (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۶۹). این غرب‌گرایان، سخت گرفتار بیماری وهم و تقلیدند و از دانش تاریخی جامعهٔ خود بهره‌ای ندارند و از عصبیت و غیرت دینی و قومی که محرک ترقی جوامع است، تهی شده‌اند. از این رو، به تقلید از غربی‌ها، عصبیت دینی را عامل انحطاط مسلمانان معرفی می‌کنند و خواهان از بین بردن آن و پذیرش فرهنگ بیگانه‌اند. این افراد با حمایت غربی‌ها برای زایل کردن عقاید و ایمان اسلامی مردم، به ویژه جوانان، به تأسیس جراید و مدارس دست می‌زنند و بر اساس زبان و فرهنگ و منافع بیگانه، به تربیت جوانان می‌پردازند (کافی، ۱۳۸۹: ۶۰). وی بیان می‌دارد: «عده‌ای از این تحصیل‌کرده‌های خارج تصمیم گرفتند آنچه از علوم و فنون فراگرفته‌اند در کشور خود پیاده کنند. نتیجهٔ این کار، آن شد که وضع مبانی اخلاقی و مساکن کشور خویش را عوض کردند. غافل از این بودند که با انجام این کارها ثروتهای ملی خویش را به کشورهای دیگر می‌فروشدند و در عوض، اشیای تجملی و از بین رفتنی را که فقط جلوهٔ ظاهری دارند، به دست می‌آورند. با این اقدام بی‌فکرانه، سرمایهٔ صاحبان صنایع خویش را از بین می‌برند و بازرگانان خویش را نابود می‌سازند؛ زیرا صاحبان صنایع توانایی آن را نداشتند تا آنچه را که این علوم و صنایع جدید می‌خواهد آماده کنند؛ چون هنوز فن ساخت آن را به دست نیاورده بودند. از طرفی، سرمایهٔ آنان برای خرید و حمل آن همه وسایل و آلات صنعتی جدید از کشورهای دور کفایت نمی‌کرد». (رئیس‌کرمی، ۱۳۸۲: ۱۰۴)



**بازگشت به اسلام:** سید درباره فریفتگی به غرب و آلوده شدن به بیماری مصرف‌گرایی و زندگی اشرافی، همانند سرمایه‌داران غربی، به مسئله بازیابی هویت اسلامی مسلمانان اولویت بخشید و تلاش کرد تا مسلمانان به طور دقیق به حقایق معارف متعالی اسلامی، اصول اخلاق برجسته انسانی و به هویت تاریخی - تمدنی خود پی ببرند و در پناه آن، اصالت خود را بازیابند (خسروشاهی، ۱۳۹۹: ۶). ایشان با طبیعت‌گرایی و عقل‌گرایی مبتنی بر تفکرات علمی و دنیاگرا، ستیزی تمام‌عیار داشت. از این رو، بر متفکران مسلمانی که می‌خواستند برای روزآمد کردن باورهای دینی و آموزه‌های قرآنی، آنها را به محک علم تجربی تفسیر کنند، انتقادی سخت و بنیادین داشت (پویان، ۱۳۸۸: ۳۶۰). به نظر او، علم هر اندازه هم که عالی باشد، باز کاملاً انسان را ارضا نمی‌کند. انسان تشنه آرمان است و می‌خواهد به قلمروهای تاریک و دوردستی برسد که فلاسفه و دانشمندان نه می‌توانند آن را درک کنند و نه بررسی (میرمتهایی، ۱۳۸۳: ۴۳۲)؛ بلکه با بازگشت به اسلام است که علم ثمره خود را نمایان می‌سازد. وی همواره مسلمانان را از آفت «علم‌زدگی» و برداشتهای نیهیلیستی و سکولاریستی از علم پرهیز داده و علم غیر متعهد را که دامنگیر دانشمندان غیر متعهد مسلمان شده، نکوهش کرده است. او به خوبی دریافته بود اگر پیشرفت علم جدید سبب ترقی و علو ملتهای اروپایی شده است، به هیچ وجه به معنای سلب کرامت انسانی و زندگی بی‌هدف حیوان‌وارگی انسان نیست. هرگز علم در دنیای علمی، بی‌بندوباری و اباحی‌گری را ترویج نمی‌کند. علم وقتی می‌تواند رسالت خود را ایفا کند که همراه حقیقت‌خواهی و کمال انسانی باشد. علم باید نوری باشد که اول خود آدمی را تربیت کند و سپس به اصلاح اجتماع و جهان پردازد و آن چیزی است که امروزه علم لائیک و طبیعت‌گرایی فاقد آن می‌باشند. (ثقفی، ۱۳۹۹: ۳)

حاصل مطالعه، جمع‌بندی و تلخیص داده‌ها، مدل تحلیلی پژوهش است که در قالب مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در نمودار ذیل آمده است.



نمودار ۱: مدل تحلیلی تحقیق (محقق ساخته)

#### د) نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد سید جمال‌الدین درباره‌ی اسلامی‌سازی علوم جدید را می‌توان در قالب پنج مقوله و ۱۵ زیرمقوله تحلیل و بررسی کرد، که در این زمینه تا به اقصای رسیدن داده‌ها، ۸۰ فیش از جامعه آماری تحقیق، استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد از نظر سید جمال‌الدین، علوم غربی پیراسته شده؛ یعنی علمی که فرهنگ، تبلیغات، سلطه و باورهای غربی را همراه خود نداشته باشند، هیچ تضادی با دین اسلام ندارند و مسلمانان می‌توانند این دانش، تجربه و دستاورد بشری را در جامعه اسلامی مطابق با اعتقادات، فرهنگ و باورهای خود استفاده کنند. همچنان که مسلمانان در گذشته، علوم اروپایی به خصوص یونانی را در جامعه اسلامی وارد کردند و هیچ آسیبی هم به دین اسلام وارد نشد، بلکه موجب رونق و شکوفایی جهان اسلام شد. از طرفی، جاودانگی و جامع‌نگری و ظرفیت دین اسلام همواره پذیرایی علوم، فناوری و دستاوردهای بشری بوده است؛ از جمله در آیات ذیل که خواهان عزت دائمی و سربلندی اسلام در تمام عرصه‌های بشری است: «عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مانده: ۴۵)؛ «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). داده‌ها بیانگر آن است که از نظر سید جمال‌الدین، جهان اسلام در مواجهه با علوم غرب به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. بیشتر علما و رهبران دینی مسلمان با اتکا به باور حداقلی خود، راحت‌طلبانه گفتند همان اسلام سنتی ما را کفایت می‌کند و جوامع اسلامی نیازی به علوم جدید غربی ندارند. این رویکرد دو پیامد در دنیای اسلام داشت؛ از یک سو باعث فرسودگی، عقب‌ماندگی، محرومیت و علم‌ستیزی ملل مسلمان شد و از سوی دیگر، دستاویزی شد برای کسانی که به طور عمد با وارد شدن علوم بشری در کشورهای اسلامی مخالف بودند. ۲. تعدادی از مسلمانان که به طور کامل در علوم و فرهنگ و باورهای غربی ذوب شده بودند، گفتند آنچه موجب انحطاط ما شده، دین اسلام و فرهنگ شرق است؛ بنابراین، به صورت تقلیدی مظاهر غرب را در کشورهای خود اجرا و دین‌گریزی را اعلام کردند. پیامد این رویکرد، کم‌رنگ شدن دین، سلطه بیشتر ملل غرب و وابستگی جهان اسلام بود. ۳. تعداد کمی از دانشمندان مسلمان بودند که اعلام کردند دین اسلام با علم، پیشرفت و دستاوردهای بشری مخالفتی ندارد. وسعت، جاودانگی و کمال‌خواهی دین اسلام نیازمند فراگیری و کسب تجارب جدید، انکشافات روزافزون و علوم عالیة اجتماعی است. پیامد این دیدگاه این بود که حقیقت و به‌روز بودن دین اسلام آشکار شد؛ مسلمانان برای رونق دوباره

جامعه اسلام تلاش کردند و سازگار بودن دین اسلام با علوم که فرهنگ، باور و سلطه بیگانه را همراه نداشته باشد، معلوم شد.

این پژوهش در مقایسه با پژوهشهایی که در پیشینه آمد، دارای مزیت به نظر می‌رسد؛ زیرا به صورت تک‌متغیره، فقط رویکرد سید جمال‌الدین را درباره رویارویی اسلام با علوم جدید به خوبی بررسی و تحلیل کرده و کاربرد و اهمیت این علوم را در جهان اسلام از نظر ایشان تبیین کرده است. یکی از نکات تمایزی این پژوهش با تحقیقات قبلی این است که مطالعات و تحلیل داده‌ها به صورت روشمند انجام شده و جامعه آماری تحقیق نیز معین شده و مقوله‌ها به صورت استقرایی تا به اقناع رسیدن یافته‌ها ادامه پیدا کرده است. در حالی که تحقیقات قبلی به صورت چند متغیره پیرامون سید جمال‌الدین بحث کرده، معمولاً جامعه آماری آنها نامشخص بوده، بعضاً روشمند نبوده و بعضی از آنها نیز به‌روز نبوده‌اند.

برای توسعه و تکامل پژوهش در زمینه نظریات علم‌گرایی سید جمال‌الدین، پیشنهاد می‌شود به این موضوعات اولویت داده شود: از آنجا که سید دارای باور قاطع، دین‌مداری استوار و عالم مکفی بود و بینشی جهانی داشت، نظریه علم دینی او با بعضی از دانشمندان مسلمان هم‌عصرش به صورت تطبیقی مطالعه شود؛ بعضی از مناظرات علمی وی با علمای متحجر و سنتی مسلمان هم‌عصرش تبیین و بررسی شود؛ مبارزات علمی ایشان با تجددگرایان افراطی مسلمان هم‌عصرش تبیین و بررسی شود. همچنین می‌تواند زمینه‌های رویکرد علم‌گرایی ایشان تبیین و بررسی شود و پیامدهای نظریه علم دینی ایشان تحلیل و بررسی شود.

## منابع

- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۹). «پیشگامان بیداری اسلامی در مصر». معرفت، سال نوزدهم، ش ۱۵۱: ۱۱۰-۸۹.
- احمدی، عزت‌الله (۱۳۹۳). «بررسی اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی». معرفت، سال بیست و سوم، ش ۲۰۰: ۶۶-۴۹.
- اسماعیل‌نیا، محمود (۱۳۸۳). «اصلاح جامعه در اندیشه سید جمال‌الدین». سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات). تهران: مجمع جهانی تقریب.
- الحسینی (الافغانی)، السید جمال‌الدین (۱۴۲۱ ق/الف). العروه الوثقی. اعداد و تقدیم: هادی خسروشاهی. طهران: المجمع العالمی للتقریب، طبع الثانیه.
- الحسینی (الافغانی)، السید جمال‌الدین (۱۴۲۱ ق/ب). رسائل فی الفلسفه و العرفان. اعداد و تقدیم: هادی خسروشاهی. طهران: المجمع العالمی للتقریب، طبع الثانیه.
- الحسینی، جمال‌الدین (۱۳۷۹). تاریخ اجمالی ایران و تنمه البیان فی تاریخ الافغان. اعداد و تقدیم: هادی خسروشاهی. تهران: کلبه شروق.
- الحلو، مشتاق (۱۳۸۳). «سید جمال‌الدین در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران». سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات). تهران: مجمع جهانی تقریب.
- پویان، مجید (۱۳۸۸). «بررسی وجوه تشابه اندیشه سید جمال‌الدین و سید اشرف گیلانی». آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات). گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- توانا، محمدعلی (۱۳۸۵). «اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی». پژوهش علوم سیاسی، ش ۳: ۹۷-۱۱۳.
- توانا، محمدعلی (۱۳۸۸). «سید جمال‌الدین و مسئله انگلیس». آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات). گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- توکلی، عبدالله و حسین مؤمنی (۱۳۹۹). «بررسی مؤلفه‌های سرمایه انسانی سازمان با رویکرد تهذیبی از منظر قرآن». پژوهشهای مدیریت انتظامی، سال پانزدهم، ش ۳: ۹۹-۱۱۶.
- توکلی، عبدالله و حسین مؤمنی (۱۳۹۷). «بررسی وضعیت سیاستگذاری نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان». اسلام و مدیریت، سال هفتم، ش ۱۳: ۲۳-۷.
- تفتی، محمد (۱۳۹۹). «سید جمال‌الدین و علم‌زدگی». برگرفته از سایت مصلح شرق (۱۳۹۹/۸/۱۰):  
<http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>

۶۰۰ ♦ بررسی و تحلیل دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی...

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**. تهران، سمت، چ یازدهم.
- حسینی، میرهادی (۱۳۹۱). «**سید جمال‌الدین اسدآبادی پایه‌گذار نوگرایی اسلامی**». تاریخ برداشت: ۱۳۹۹/۷/۶. برگرفته از: <http://m-hosseini.ir/maghalat/seyyed%20jamal>
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). **روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**. تهران: مرکز تحقیقات علمی ایران.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۷). کد خبر: ۸۳۷۰۳۸۸۴. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۶. برگرفته از: <https://www.irna.ir/news/83703884>
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۷). کد خبر: ۴۵۶۲۹۱۰. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۶. برگرفته از: <https://www.mehrnews.com/news/4562910>
- خسروشاهی، هادی (۱۳۹۹). «**راه‌رهایی مشرق‌زمین از دیدگاه سید جمال‌الدین**». تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰. برگرفته از سایت مصلح شرق: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- خسروشاهی، هادی (۱۳۹۹). «**سید جمال و حرکتهای اسلامی معاصر**». تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰. برگرفته از سایت مصلح شرق: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- دانایی‌فرد، حسن؛ مهدی‌الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳). **روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت**. تهران: صفار.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۳). «**سالروز درگذشت سید جمال‌الدین اسدآبادی**». شماره خبر: ۸۶۷۰۹۷. تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳. برگرفته از: <https://donya-e-eqtasad.com>
- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۵). «**شرح حال و سالشمار زندگانی سید جمال‌الدین**». سید جمال، جمال حوزه‌ها (مجموعه مقالات). گردآوری: جمعی از نویسندگان مجله حوزه. قم: دفتر تبلیغات.
- ذوالفقاری، مهدی و سجاد سلامت (۱۳۸۷). «**سپری در اندیشه‌های سید جمال‌الدین**». ره‌آورد سیاسی، ش ۲۰: ۱۵۲-۱۲۹.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۷). **سید جمال‌الدین اسدآبادی**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۸). «**مبانی اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین**». آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات). گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸). «**سید جمال‌الدین و نوگرایی دینی**». آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات). گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رئیس‌کرمی، علی (۱۳۸۲). **سید جمال‌الدین اسدآبادی و همبستگی جهان اسلام**. زاهدان: نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت سیستان.

- سلیمی، علی (۱۳۹۷). «کاربرد تحلیل محتوای کیفی در استخراج تحلیلهای اجتماعی قرآن؛ گزارشی تحلیلی از روش یک تحقیق». *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال بیست و چهارم، ش ۹۷: ۹۹-۷۵.
- شرفی، حسین (۱۳۷۵). «ناهنجاری‌های جهان اسلام از دید سید جمال‌الدین». *سید جمال، جمال حوزه‌ها (مجموعه مقالات)*. گردآوری: جمعی از نویسندگان مجله حوزه. قم: دفتر تبلیغات.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸). «سید جمال‌الدین اسدآبادی و روش‌شناسی بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی». *دین و سیاست*، ش ۲۲-۲۱: ۲۳-۳۸.
- شیعه‌زاده، الهه؛ سعید مرتضوی و محمدعلی انصاری (۱۳۹۵). «بازنمایی شاخصهای رفتاری توکل و بررسی میزان تناسب آن با سبک تصمیم‌گیری مدیران». *مدیریت اسلامی*، سال بیست و چهارم، ش ۳: ۳۳-۵۴.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۵). *سید جمال‌الدین حسینی طلایه‌دار نهضت اتحاد و تقرب*. تهران، مجمع جهانی تقرب.
- ضابط‌پور، علیرضا (۱۳۸۷). *اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی*. تهران: کانون اندیشه جوان، چ سوم.
- علی‌صوفی، علیرضا و عباس زارعی مهرورز (۱۳۹۱). «اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری». *مطالعات تاریخ اسلام*، سال چهارم، ش ۱۴.
- عماره، محمد (۲۰۱۱ م). «زندگی‌نامه سید جمال‌الدین افغانی». ترجمه مهراں موحد. تاریخ برداشت: ۱۳۹۹/۸/۱۱. برگرفته از کابل پرس: <https://www.kabulpress.org>
- فرهنگ، علی‌اکبر و حسین صفرزاده (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم انسانی (با نگرش بر پایان‌نامه نویسی)*. تهران: پویش.
- فلاطوری، جواد (۱۳۹۹). «تشکیل جبهه آزاد، شاهکار مبارزات ضد استعماری سید جمال‌الدین». تاریخ برداشت: ۱۳۹۹/۸/۱۰. برگرفته از سایت مصلح شرق: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- قربانی، محمدهادی (۱۳۸۵). *عوامل انحطاط مسلمانان از نگاه سید جمال‌الدین، علامه اقبال و امام خمینی*. پایان‌نامه، گرایش تاریخ اسلام. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- قلی‌پور، محمد (۱۳۸۳). «دکترین اصلاح نظریه وحدت اسلامی سید جمال‌الدین». *سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات)*. تهران، مجمع جهانی تقرب.
- کافی، مجید (۱۳۸۹). *تغییرات اجتماعی در اندیشه سید جمال‌الدین*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶۰۲ ♦ بررسی و تحلیل دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی...

- کافی، مجید (۱۳۸۸). «نظریه انحطاط و اصول شش‌گانه تکامل انسانی از نظر سید جمال‌الدین». *اسلام و علوم اجتماعی*، سال اول، ش ۱: ۸۴-۴۹.
- کریپ‌پندروف، کلوس (۱۳۸۶). **تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی**. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران، نی، چ سوم.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۹۹). «چرا سید جمال‌الدین». تاریخ برداشت: ۱۳۹۹/۸/۱۰. برگرفته از سایت [مصلح شرق: http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id](http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id)
- مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۸۹). **سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او**. تهران: امیرکبیر، چ هشتم.
- مزیانی، محمدصادق (۱۳۷۵). «مبارزه با استعمار». *سید جمال، جمال حوزه‌ها (مجموعه مقالات)*. گردآوری: جمعی از نویسندگان مجله حوزه. قم: دفتر تبلیغات.
- مسعودنیا، حسین و علی تدرین‌راد (۱۳۸۸). «سید جمال‌الدین مرد غوغا یا منادی بیداری». *آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات)*. گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مسعودی، حسین (۱۳۷۵). «علم و دین در نظرگاه سید جمال‌الدین». *سید جمال، جمال حوزه‌ها (مجموعه مقالات)*. گردآوری: جمعی از نویسندگان مجله حوزه. قم: دفتر تبلیغات.
- مؤمنی، حسین (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی استخدام منابع انسانی از منظر فقه الاجاره». *معارف اسلامی و مدیریت*، سال ششم، ش ۱۱: ۳۰-۵.
- مؤمنی، حسین و غلامحسین رحیمی (۱۳۹۸). «فهم خدمت به دیگران و تأثیر آن در مدیریت اسلامی (در جواب امام صادق (ع) به نجاشی والی اهواز)». *معارف اسلامی و مدیریت*، سال پنجم، ش ۱۰: ۱۵-۳.
- مؤمنی‌راد، اکبر؛ خدیجه علی‌آبادی، هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج». *اندازه‌گیری تربیتی*، سال چهارم، ش ۱۴: ۲۲۲-۱۸۷.
- میرمنهایی، مجید (۱۳۸۳). «پارادوکس علم و دنیا در اندیشه سید جمال‌الدین». *سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات)*. تهران: مجمع جهانی تقریب.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۸). «سید جمال‌الدین بنیانگذار مدرنیسم اسلامی». *آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات)*. گردآوری: بهرام نوازی. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۲). **روش تحقیق پیشرفته**. تهران: کمیل.
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۹). «سید جمال‌الدین اسدآبادی». تاریخ برداشت: ۱۳۹۹/۸/۱۱. برگرفته از: <https://fa.wikipedia.org/wiki>



حمیدرضا شیرازی و حسن معلمی ♦ ۶۰۳

- هولستی، ال.آر. (۱۳۸۰). **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چ دوم.
- یوسف نژاد عالی زمینی، محمد (۱۳۹۱). **شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی**. تهران: پژوهشگاه انسان و مطالعات فرهنگی.
- Aghajani, Nasrullah (1389). "**Pioneers of Islamic awakening in Egypt**". Marafet, 19th year, No. 151: 110-89.
- Ahmadi, Ezzatullah (2013). "**Examination of the political thought of Seyyed Jamaluddin Asadabadi and Imam Khomeini**". Marafet, 23rd year, vol. 200: 66-49.
- Ismailnia, Mahmoud (1383). "**Society reform in Seyyed Jamaluddin's thought**". Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Islamic Awakening Movement (collection of articles). Tehran World Forum of Approximation
- Al-Husaini (Al-Afghani), Al-Sayed Jamaluddin (1421 AH/A). **Al-Arwat al-Wosgha**. Numbers and dedication: Hadi Khosrowshahi. Tehran: Al-Majma Alami Laltaqarib, Tabab al-Thaniyyah
- Al-Husaini (Al-Afghani), Al-Sayed Jamaluddin (1421 AH/B). **Essays on philosophy and mysticism**. Numbers and dedication: Hadi Khosrowshahi. Tehran: Al-Majma Alami Laltaqarib, Tabab al-Thaniyyah.
- Al-Hosseini, Jamaluddin (1379). **A brief history of Iran and the continuation of Al Bayan fi Tarikh al-Afghan**. Numbers and dedication: Hadi Khosrowshahi. Tehran: colbeh shuroogh.
- Al-Hulu, Mushtaq (2013). "**Seyd Jamaluddin in Iran's political and social developments**". Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Islamic awakening movement (collection of articles). Tehran: World Approximation Forum.
- Pouyan, Majid (1388). "**Investigation of the similarities between Seyyed Jamaluddin and Seyyed Ashraf Gilani's thought**". Opinions and thoughts of Seyyed Jamaluddin Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
- Tawana, Mohammad Ali (1385). "**Islam and modernity in the thought of Seyed Jamaluddin Asadabadi**". Political Science Research, No. 3: 113-97.
- Tawana, Mohammad Ali (1388). "**Sayed Jamaluddin and the British problem**". Opinions and thoughts of Seyed Jamaluddin Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
- Tavakoli, Abdullah and Hossein Momeni (2019). "**Examining the components of the organization's human capital with a refinement approach from the perspective of the Qur'an**". Police Management Research, 15th year, No. 3: 116-99.
- Tavakoli, Abdullah and Hossein Momeni (2017). "**Investigation of the policy status of the educational system of seminaries in Afghanistan**". Islam and Management, Year 7, No. 13: 23-7.
- Saghafi, Mohammad (2019). "**Sayyed Jamaluddin and scientism**". Taken from Mosleh Sharq website (10/8/2019): <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>

- Hafeznia, Mohammad Reza (2004). **An introduction to research methods in humanities**. Tehran, Samit, Che 11th.
- Hosseini, Mirhadi (1391). "**Seyd Jamaluddin Asadabadi, the founder of Islamic modernism**". Harvest date: 6/7/2019. Retrieved from: <http://m-hosseini.ir/maghalat/seyyed%20jamal>
- Khaki, Gholamreza (1378). **Research method with an approach to thesis writing**. Tehran: Scientific Research Center of Iran.
- Islamic Republic News Agency (1387). News code: 83703884. Received date: 6/7/2019. Taken from: <https://www.irna.ir/news/83703884>
- Mehr news agency (2017). News code: 4562910. Received date: 6/7/2019. Retrieved from: <https://www.mehrnews.com/news/4562910>
- Khosrowshahi, Hadi (2019). "**The way to liberate the East from the point of view of Seyd Jamaluddin**". Received date: 10/8/2019. Taken from Mosleh Sharq site: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- Khosrowshahi, Hadi (2019). "**Sayed Jamal and contemporary Islamic movements**". Received date: 10/8/2019. Taken from Mosleh Sharq site: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- Danaifard, Hassan; Mehdi Elwani and Adel Azar (2013). **Qualitative research methodology in management**. Tehran: Safar.
- The world of economics (2013). "**Anniversary of the death of Seyyed Jamaluddin Asadabadi**". News number: 867097. Date 23/12/2013. No. 3442. Retrieved from: <https://donya-e-eqtasad.com>
- Zakari, Ali Akbar (1375). "**Biography and chronology of Seyyed Jamaluddin's life**". Seyed Jamal, Jamal Hozaha (collection of articles). Compilation: a group of authors of the field magazine. Qom: Advertising Office.
- Zulfiqari, Mehdi and Sajjad Salamat (2007). "**Satiety in Seyyed Jamaluddin's thoughts**". Political Perspective, Vol. 20: 152-129.
- Rahmanian, Dariush (1387). **Seyyed Jamaluddin Asadabadi**. Tehran: Humanities Research and Development Institute
- Ranjbar, Maqsood (1388). "**Fundamentals of Seyyed Jamaluddin's political thought**". Opinions and thoughts of Seyed Jamaluddin Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
- Lederhi, Mehdi (2008). "**Seyd Jamaluddin and Religious Modernism**". Opinions and thoughts of Seyed Jamaluddin Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
- Raees Karmi, Ali (2012). **Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the solidarity of the Islamic world**. Zahedan: Organization representing the leadership in the affairs of the Sunnis of Sistan.
- Salimi, Ali (2017). "**The use of qualitative content analysis in extracting social analyzes of the Qur'an; an analytical report of the method of a research**". Methodology of Human Sciences, 24th year, No. 97: 75-99.
- Sharfi, Hossein (1375). "**Abnormalities of the Islamic world from Seyyed Jamaluddin's point of view**". Seyed Jamal, Jamal Hozaha (collection of articles). Compilation: a group of authors of the field magazine. Qom: Advertising Office.

- Shiroudi, Morteza (1388). "**Seyd Jamaluddin Asadabadi and the localization methodology of modern political concepts**". Religion and politics, Vol. 21-22: 23-38.
- Shiezadeh, elah; Saeed Mortazavi and Mohammad Ali Ansari (2015). "**Representation of Tawakkol's behavioral indicators and checking its compatibility with managers' decision-making style**". Islamic Management, 24th year, Volume 3: 33-54.
- Sahibi, Mohammad Javad (1385). **Seyyed Jamaluddin Hosseini, leader of the unity and solidarity movement**. Tehran, World Approximation Forum.
- Zabetpour, Alireza (1387). **The political thought of Seyyed Jamaluddin Asadabadi**. Tehran: Young Andishe Javan Center, third chapter.
- Alisofi, Alireza and Abbas Zarei (2011). "**Political thought and action of Seyyed Jamaluddin Asadabadi in the challenge with Naseri government**". Islamic History Studies, 4th year, No. 14.
- Amareh, Mohammad (2011). "**Biography of Seyyed Jamaluddin Afghani**". Translated by Mehran Movahed.: Taken from Kabul Press: <https://www.kabulpress.org>
- Farhangi, Ali Akbar and Hossein Safarzadeh (1385). **Research method in human sciences** (with an attitude towards thesis writing). Tehran: Poyesh.
- Flatori, Javad (2019). "**The formation of the Azad Front, the masterpiece of Seyyed Jamaluddin's anti-colonial struggles**". Taken from Mosleh Sharq site: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- Ghorbani, Mohammad Hadi (1385). **The factors of the decline of Muslims from the point of view of Sayyed Jamaluddin, Allameh Iqbal and Imam Khomeini**. Dissertation, trend of Islamic history. Qom: Al-Mustafa Al-Alamiya Society.
- Qolipour, Mohammad (1383). "**The doctrine of reforming the theory of Islamic unity of Seyyed Jamaluddin**". Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Islamic Awakening Movement (collection of articles). Tehran, World Approximation Forum.
- Kafi, Majid (1389). **Social changes in Seyyed Jamaluddin's thought**. Qom: University and District Research Institute.
- Kafi, Majid (1388). "**Degeneration theory and the six principles of human evolution according to Seyyed Jamaluddin**". Islam and Social Sciences, first year, Vol. 1: 84-49.
- Krippendorff, klaus (2016). **Content analysis: an introduction to its methodology**. Translated by Hushang Naibi. Tehran, Nei.
- Mohit Tabatabai, Mohammad (2019). "**Why Syed Jamaluddin**". Taken from Mosleh Sharq site: <http://iscq.ir/?part=menu&inc=menu&id>
- Modaresi Chardehi, Morteza (2009). **Seyed Jamaluddin and his thoughts**. Tehran: Amirkabir, 8th ED.
- Mazinani, Mohammad Sadeq (1375). "**Fighting Colonialism**". Seyed Jamal, Jamal Hozaha (collection of articles). Compilation: a group of authors of the field magazine. Qom: Advertising Office.
- Massoudnia, Hossein and Ali Tadinrad (2008). "**Sayyed Jamaluddin, the man of chaos or the caller of awakening**". Opinions and thoughts of Seyyed Jamaluddin

- Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
- Masoudi, Hossein (1375). "**Science and religion in the opinion of Seyyed Jamaluddin**". Seyed Jamal, Jamal Hozaha (collection of articles). Compilation: a group of authors of the field magazine. Qom: Advertising Office.
  - Momeni, Hossein (2019). "**Comparative study of human resource from the perspective of jurisprudence**". Islamic Education and Management, 6th year, No. 11: 5-30.
  - Momeni, Hossein and Gholamhossein Rahimi (2018). "**Understanding service to others and its effect on Islamic management** (in response of Imam Sadiq (a.s.) to Najashi, governor of Ahvaz)". Islamic Education and Management, 5th year, No. 10: 3-15.
  - Momeni Rad, Akbar; Khadija Aliabadi, Hashem Fardanesh and Naser Mazini (2012). "**Analysis of qualitative content in research: nature, stages and validity of results**". Educational measurement, fourth year, Vol. 14: 187-222.
  - Mirmonthahai, Majid (2013). "**The Paradox of Science and the World in Seyyed Jamaluddin's Thought**". Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Islamic awakening movement (collection of articles). Tehran: World Approximation Forum.
  - Nazari, Ali Ashraf (1388). "**Seyd Jamaluddin, the founder of Islamic modernism**". Opinions and thoughts of Seyed Jamaluddin Asadabadi (collection of articles). Compilation: Bahram Navazani. Tehran: Cultural and Social Studies.
  - Nobakht, Mohammad Bagher (2012). **Advanced research method**. Tehran: Komeil.
  - Wikipedia (2019). "**Seyyed Jamaluddin Asadabadi**". Retrieved from: <https://fa.wikipedia.org/wiki>
  - Holsty, L.R. (2008). **Content analysis for social sciences and humanities**. Translated by Nader Salarzadeh Amiri. Tehran: Allameh Tabatabai University.
  - Yousefnejad, Mohammad (2011). **Methodology of scientific research and writing**. Tehran: Institute of Human and Cultural Studies.